

# دموکراسی شهری، مادر دموکراسی ملی است

## زهرا نژادبهرام: رویکرد مدیران به زنان جداسازی است

گروه سیاسی

مراسم رونمایی از کتاب «زنان در شهر» نوشته زهرا نژادبهرام با مقدمه عباس آخوندی در محل ساختمان «مجموعه رسانه‌ای اعتماد» با حضور زهرا نژادبهرام (نویسنده)، عباس آخوندی (فعال سیاسی و کارشناس حوزه شهری)، الیاس حضرتی (صاحب امتیاز مجموعه رسانه‌ای اعتماد) و بهروز بهزادی (مدیر مسوول روزنامه اعتماد) برگزار شد.

عباس آخوندی در مراسم رونمایی از کتاب «زنان در شهر» با اشاره به اینکه با اثر ارزشمندی رو به رو هستیم، گفت: «کتاب مجموعه مقالات و یادداشتهای جالب و خواندنی دارد. بحثی که برای ایرانیان در حوزه شهرسازی مهم است، تحولی است که در زندگی شهری رخ داده و باید آن را درک کرد. شهرهای ایران اساساً برای کسب و کار مردانه طراحی شده است نه برای حضور اجتماعی زنان. البته این فقدان فقط مختص ایران نیست، در بسیاری از کشورهای جهان هم تا قرون نوزدهم و اوایل قرن بیستم، شهرها برای حضور اجتماعی مردان طراحی شده بود. این حرف و این بحث، شعاری نیست. وقتی شهری را برای حضور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردان طراحی می‌کنید، اساساً مسائل زیباشناسی، حمل و نقل، طراحی شهری، سازمان اجتماعی، نظام حکمروایی و حقوق شهروندی‌اش متفاوت خواهد بود. اگر قرار است حضور اجتماعی زنان در شهرها ارتقا پیدا کند باید یک بار دیگر همه مسائل شهرها از نو بازنگری شود. البته این روند به صورت اتفاقی و دستوری رخ نمی‌دهد و نیازمند آگاهی اجتماعی و تحول تاریخی است. اما نباید فراموش کرد که این مساله، بسیار مهم و کلیدی است.»

آخوندی با اشاره به دوران حضورش به عنوان وزیر راه و شهرسازی دولت روحانی ادامه داد: «اکثر وزارتخانه‌ها مشاور امور زنان دارند، زمانی که من به عنوان وزیر راهی وزارت راه و شهرسازی شدم،

از مشاور امور زنان پرسیدم: شما برای زنان چه می‌کنید؟ گفتند: روز زن را جشن می‌گیرند، به خانم‌ها يك کیف و چادر هدیه می‌دهند، نهایتاً يك سکه هم کنار آن می‌گذارند و... از آنها پرسیدم: بعدش چه؟ گفتند: «هیچی دیگه میریم تا سال بعد!» اما مساله این است که باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که وقتی يك خانم ایرانی می‌خواهد از تهران با وسیله نقلیه عمومی به کهریزك برود، بتواند با خیال راحت و در يك محیط امن این مسیر را طی کند. باید دید آیا می‌توان به شوهر و پدر این خانم تضمین داد که با وسیله نقلیه عمومی ساعت 10 و 11 شب به راحتی رفت و آمد کند؟ آیا می‌توان رابطه حمل و نقل را با مساله زنان به درستی ترسیم کرد؟ يك نمونه واقعی دیگر که برای من در آن ایام بسیار مهم بود در جریان سفرم به شیراز نمود پیدا کرد. قرار شد برای افتتاح راه‌آهن اصفهان - شیراز راهی شیراز شوم. وقتی به محل ایستگاه راه‌آهن رسیدم، متوجه شدم ایستگاه راه‌آهن حدود 10 کیلومتری شهر شیراز، روبه‌روی شهر جدید صدرا قرار گرفته است. این ایستگاه را کنار جاده قرار داده بودند. من به مدیران راه‌آهن گفتم اگر دختر خودتان دانشجوی شیراز باشد، آیا حاضرید دخترتان سوار قطار شود و ساعت 11 شب کنار جاده تا شیراز را کنار خیابان ماشین بگیرد؟ ممکن است برای مردان و پسران مساله مهمی نباشد که کنار جاده بایستند و ماشین بگیرند، ولی برای زنان این موضوع به يك معادله بدل می‌شود. نمونه دیگر بازدیدهایی است که من از فرودگاه‌های کشور داشتم. همواره از مسیرهای عادی فرودگاه‌ها رفت و آمد می‌کردم. او گفت: «يك بار به یکی از مسوولان فرودگاه گفتم در شرایطی که در کشورمان این اندازه بحث درباره حمایت از نهاد خانواده، فرزندآوری و... می‌شود، اگر يك زن ایرانی بخواهد در فرودگاه به بچه نوزاد خود شیر بدهد، آیا جایی برای این امر در نظر گرفته شده است؟ منظورم از این مثال‌ها توجه کردن به مجموعه ریزه‌کاری‌ها و مسائلی است که مسائل زنان با آن دست به گریبان هستند. وقتی شهر از نظر مردانه نگاه شود تفاوت‌های جدی دارد با زمانی که موضوعات از منظر زنان نگاه شود. بنابراین نگاه به شهر از دید زنانه موضوعی فانتزی و انتزاعی نیست، بلکه امری واقعی و کلیدی است. اگر قرار باشد وارد فرآیند حل و فصل واقعی مشکلات مردم شویم و از غوغای سیاست به واقعیت‌های زندگی مردم ورود کنیم ریزه‌کاری‌های بسیاری وجود دارد.» مثلاً باید بدانیم تعداد خانواده‌های تك والدینی، بسیار زیاد شده است. آیا دسترسی به مسکن مطمئن با خانمی که سرپرست خانوار است به همان راحتی است که يك مرد واحدی را در اختیار می‌گیرد؟ تمامی این مسائل از دید طراحی شهری و خدمات شهری مطرح شدند. اما از دیدگاه کاربری و زیباشناسی

هم مشکلات عدیده‌ای وجود دارد. بسیاری از ساختمان‌ها در تهران و سایر شهرهای ایران، بیشتر برای تجارت ساخته شده‌اند و برای زندگی نیستند. به اندازه قیافه شهرهای ایران عبوس و خشن است که انگار به صورت شهروندان سیلی بزند. انسان حس لطافت و زیبایی از شهر ندارد. این گونه است، چون قرار است سانت به سانت شهر به فروش برسد و گروهی تاجر مخاطب آن هستند. از منظر زیباشناسی شهر فاقد فضای لطیف و سرزنده است.

## حکروایی شهر و زنان

آخوندی در بخش دیگری از اظهارات در این مراسم با اشاره به اهمیت موضوع حکروایی شهر و مساله زنان یادآور شد: «کتاب زنان در شهر از این نظر مهم است چون درباره زندگی در شهر صحبت می‌کند. به نظر من دموکراسی شهری، مادر دموکراسی ملی است. یکی از مشکلات اساسی ما در ایران آن است که دموکراسی شهری تجربه نشده و یکسره تلاش شده دموکراسی ملی تجربه شود. این امر یکی از حلقه‌های مفقوده تحقق دموکراسی در ایران است. مردم نخستین گزاره‌ای را که از منظر دموکراتیک می‌توانند حس کنند، دموکراسی شهری است. اینکه مردم ببینند تا چه اندازه در محل خود قدرت حضور دارند. من معمولا در زمان مسوولیت به محله‌های شهر سر می‌زدم تا این گفتمان را منتقل کنم. روزی به شهرک اکباتان رفتم. این مجتمع بسیار ویژه است. 75 هزار نفر در آن سکونت دارند و خودش در سطح یک شهر است. سبک زندگی خاصی هم در آنجا حاکم است؛ 13 بلوک ساختمانی است؛ هر بلوک ساختمانی برای خود مدیریت بلوک دارد که توسط ساکنان انتخاب شده‌اند. این 13 بلوک یک مجمع هماهنگی هم درست کرده‌اند تا رتق و فتق امور را پیگیری کنند. یک نظام ارتباطی هم برای خود تعبیه کرده‌اند و با هم در ارتباطند. نکته جالب آن است که این شبکه واقعیت خارجی دارد و همه مسائل این مجتمع بزرگ را هماهنگ می‌کند. اما وضعیت نظام رسمی چیست؟»

آخوندی ادامه داد: «نظام رسمی یک شهرداری است که اکباتان بخشی از منطقه دیگری است. مکان مدیریت شهری آن در جایی جدا از محله اکباتان است و مدیر آن مثلا از نظام آباد یا هر نقطه دیگر انتخاب می‌شود و هیچ حسی نسبت به این مجموعه ندارد. یعنی نظام رسمی فقط به دنبال عوارض و پول است و اکباتان را یک منطقه ناسازگار می‌داند. مدیران شهری دستفروش می‌برند تا مانع در رفت و آمد مردم ایجاد کنند و نهایتا به دنبال حالگیری از مردمندا! این بحث برآمده از فقدان دموکراسی شهری در ایران است. اگر دموکراسی شهری وجود

داشت، حداقل يك شهرداری جدا براي اين شهر در نظر گرفته ميشد. جالب اينجاست كه مردم به بلوك مديریتی اكباتان با ميل و رغبت پول ميدهند، اما به شهرداری پول نميدهند، چون احساس ميكنند شهرداری جيب آنها را ميزند. در واقع شهرداری نه تنها كمكي نميکند، بلکه زمينهاي اكباتان را به برخي مالها داده است. اين يك نمونه از وجود فاصله نظام حكمروايي رسمي شهري و حكمروايي محلي - اجتماعي است.» اين فعال سياسي خاطرنشان ميکند: «يکي از تلاشهاي مهم در اين خصوص شوراياريها بود. تجمعاتي غيررسمي كه از قديم در محلات شكل ميگرفتند و بسيار عينيتر از نظام رسمي شهرداریها عمل ميکردند. نهايتا سيستم به جاي حمايت از اين ساختار رفتند ثابت كردند كه اين شوراياريها غيرقانوني بوده و بايد منحل شوند. اين برآمده از چالش دموكراسي شهري و انتقال به دموكراسي ملي است. دموكراسي اساسا از شوراياريها آغاز ميشود. شهري مانند تهران نيازمند شورايي خاص در هر منطقه تهران است. در ادامه ميشود شوراي كلانشهر تهران را ايجاد كرد. شهرهايي چون پاریس، لندن و... اين گونه اداره ميشوند. بنیان دموكراسي، دموكراسي شهري است اما ما در ايران به دنبال هبوط به دموكراسي ملي هستيم بدون اينكه تجربه دموكراسي شهري را از سر گذرانده باشيم.»

آخوندي با اشاره به اينكه حسن اين كتاب آن است كه اولاً مفهوم شهر را به ميان آورده است، بعد مفهوم حكمروايي را مطرح کرده و نهايتاً هم به نظام سريع شهرنشيني ايران اشاره کرده است، گفت: «نظام شهرنشيني ايران طی 6 دهه، حدوداً 10 برابر شده است. جمعیت شهري ايران در 1335 حدود 5 ميليون و 900 نفر بوده و در سال 95 خورشیدی به 59 ميليون نفر ميرسد. در يك سرعت وحشتناك اين شهرنشيني افزايش يافته است. شهرهايي كه حتي از ارائه خدمات به مردان محروم است. در اين مسير ما هم نظام حكمروايي شهري را فراموش کردهايم، هم مفهوم شهر را از ياد بردهايم و هم نگاه زنانه به شهر را کنار گذاشتهايم. اين كتاب هرچند به ظاهر تجربههاي خردی دارد و حرفهاي سادهاي ميزند، اما با زندگي واقعي اجتماعي مردم سر و كار دارد و اين مهم است. در مقدمه تلاش كردم از نظر تئوريك و نظري موضوعات مرتبط با اين گفتمان كلي را شرح بدهم. زحمت اصلي كتاب را خانم دكتر نژادبهرام و مجموعه رسانههاي اعتماد كشيدهاند و 2 سال زمان صرف آن کردهاند. به نظرم اين كتاب هم از نظر اجتماعي، حكمروايي شهري، حمل و نقل و... قابل استفاده است. البته در ويرايش اين كتاب كمی شتاب به خرج داده شده كه در چاپهاي بعدي بايد اين ایرادها هم برطرف شود.»

□□□□□□ 1402 □□□□ 4 □□□□□□ □□□□□□ :□□□□